

ارزشهای تعاونی و تحولات سیاسی و اجتماعی

نویسنده: دکتر میرهادی زاده

۱ - پیوند تعاونگرایی با راهبردهای ملی

بخش تعاون که عمده ترین جلوه همگرایی و مشارکتهای مردمی است، اصولاً یک نهاد سیاسی است. و براساس قانون اساسی، شرکت های تعاونی، نهادهائی برای حفظ آزادگی انسانها و به ویژه منع بهره کشی از آنان، تأسیس می شوند، تا نقش مؤثر در اقتصاد سیاسی ایفا نمایند. این نقش در زمینه های مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت و درمان، آموزش و پرورش و تأمین امکانات لازم برای تشکیل خانواده با تأکید بر اولویت اقشار نیازمند، انجام می پذیرد.

قطبی شدن اقشار جامعه، تحت تأثیر تفکرات سیاسی قرن نوزدهم میلادی و بروز بحران های اجتماعی و اقتصادی ناشی از دخالت قطب های نیرومند سیاسی (احزاب چپ و راست) و سپس دوری نهضت های تعاونی اروپا و کانادا و بعداً در سایر قاره ها - از احزاب سیاسی تندرو - از دلایل اصلی پیوند تعاونی ها با راهبردها و استراتژی های معین (ملی) است. دخالت برنامه ریزی دولتها در امور تعاونی نیز ناشی از تقاضای مصرانه گروههای کار صنفی تعاونی به ویژه صنعتگران و کشاورزان و رشته های خدماتی خرده پا به دوری جستن از گرایش های سیاسی و جلب حمایت دولتها از قشرهای آسیب پذیر بوده است. حال در عصر ارتباطات الکترونیکی با اندکی تفاوت در کشورها - امور حفاظت و دفاع از ارزش های تعاونی و از مسئولیت های مهم رهبری مستقل اتحادیه های تعاونی کشورها بوده و مورد تأکید اتحادیه جهانی تعاونی قرار گرفته است.

در عصر ما با رشد و توسعه علوم ارتباطات، روابط انسانی به نوع دیگری مسأله ساز شده است مگر آنکه تحولات اجتماعی و سیاسی با نگاهی ژرف به حجم گسترده و اطلاعات و متغیرها، مورد پژوهش قرار بگیرند هر پژوهشگر متعهد به تعاون هم برداشت های خود را به صورت تحلیل کیفی از انواع بحران ها - در

بعد جغرافیائی کشور خویش و جهان پیرامون مرزهایش - بنویسد. اما پرسش واقعی اینست که عرصه های تعاونی، تا چه حد می تواند و باید از گزند تحولات سیاسی و اقتصادی مخرب فاصله گرفته و از آثار منفی آنها مصون بماند، تا ارزش های تعاونی و ره آوردهای آن را حفظ و تقویت کرده، تا مشارکت های مردمی را برای نشر آرمان کلاسیک تعاونی همچنان بیفزاید؟ شاید پرسش تکمیلی هم چنین باشد که آیا تمرکز برحل مسائل و رفع مشکلات محیطی بوسیله طرح های رفاه و بهزیستی گروه های کار تا چه پایه با توسل به اصول تعاون و منع خصوصی سازی، عملیات تعاونی امکان

چه بهتر که بجای تصمیمات عجولانه، راهی به سوی روابط سالم گشوده شود که تعاونگران هوشیار عمل کرده اند و خود به بررسی جداگانه ای نیازمند است. هرچند که سوابق آن در شرکت های تعاونی ما بسیار زیاد بوده تا آنجا که به تغییرات جزئی و کلی هیات های مدیره انجامیده و کار ساز نبوده است

خواهد یافت تا مشارکت های سالم از بحرانها بگذرد و زمینه ساز آینده بهتری باشد؟ این دو پرسش را با اشاره به شواهدی در ایران مورد بررسی قرار می دهیم.

۲ - چند مسأله بحران ساز از منظر تعاونگران و اثر آنها

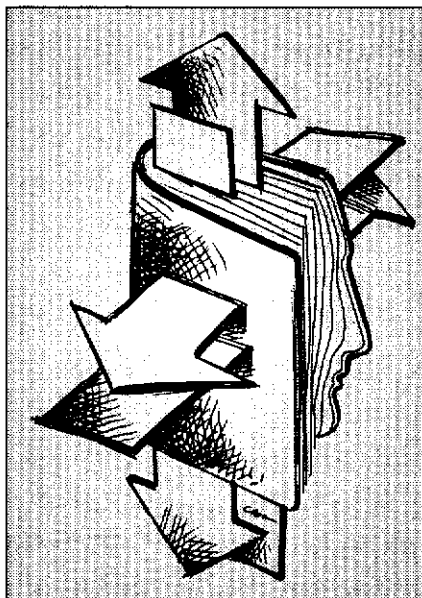
۱ - ۲: تعریفی از مفهوم بحران های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی
نظر به اینکه در آئین کار تعاونی، ارزش های

نیست. مثلاً در شرکت‌ها مباحثه و مناظره در قالب ابتکار به راه می‌افتد، ولی به درگیری و مجادله ختم می‌شود و اگر این گونه صحنه‌ها تکرار شوند با گذشت زمان، به بحران اخلاقی نیز منجر می‌گردد که متناقض با تعهدات تعاونی خواهد بود. چه بهتر که بجای تصمیمات عجولانه، راهی به سوی روابط سالم گشوده شود که تعاونگران هوشیار عمل کرده‌اند و خود به بررسی جداگانه‌ای نیازمند است. هر چند که سوابق آن در شرکت‌های تعاونی ما بسیار زیاد بوده تا آنجا که به تغییرات جزئی و کلی هیات‌های مدیره انجامیده و کارساز نبوده است.

اگر دفتر خاطراتی از عملکرد و تجربه ناظرین اتحادیه‌ها وجود داشته باشد، مطالعه آنها عبرت‌انگیز خواهد بود ولی به سبب محرمانه تلقی شدن وقایع، تاکنون اطلاع‌رسانی مؤثر به جامعه تعاونی، از طریق سازمان‌ها و اتحادیه‌های تعاونی، صورت نگرفته و در ادبیات تعاونی ایران نیز جای خالی دارد. در حالی که نشر تجارب از برخورد عقاید تعاونی و غیر تعاونی، از متن گزارش‌ها ضروری است. فرهنگ گذشته تعاونی‌ها نیاز به نقد دارد تا ناشناخته‌هایش بازخوانی و شناخته شوند چرا که اعترافات در زمینه‌های کمبود دانش تعاونی نشانه صداقت و خلوص‌نیت و اصلاح‌گری است. از این جهت روا نیست که آثار تجربی در کنار دست مدیران تعاونی مشاهده نشود که خطاهای گذشته سرپوشیده بماند.

۲-۳: اندیشه آزاد و گفتمان تعاونگران به هنگام بحرانها

چنانکه ملاحظه شد، بحران سیاسی از هر سوئی که وارد جامعه شود، چه از داخل و یا خارج کشور - ناهنجاری‌های اجتماعی می‌آفریند و خود سهم بزرگی در ظهور تخلفات اقتصادی دارد. متأسفانه به علت بی‌توجهی و یابی‌اعتنائی و سهل‌انگاری‌ها «خوش‌نشین» می‌شود. این سهل‌انگاری‌ها می‌تواند نمودار فقدان روحیه اجتماعی در فرهنگ تعاون ما باشد و روح همبستگی و تعاون را



۲-۲: تحرک و هوشیاری

اصولاً عمده‌ترین روش مبارزه با بحران‌ها به ویژه بحران قطبی شدن جوامع و جلوگیری از اثرهای بلندمدت هر بحران، تحرک و جنبش برای شناخت محیط اجتماعی جدید، پیش‌بینی وقایع پیش‌روست. معنای بحران برای تعاونگران، بروز اختلاف در روابط انسانی، ناپیمنی در کار و فرصت‌های شغلی - تولیدی و خدمت‌رسانی - است. از نشانه‌های چشمگیر این آشفتگی بوجود آمدن ارتباطات مشکوک و ناسالم تعدادی از اعضا و مدیرانی با محافل غیر تعاونی است که عملاً به قصد تحمیل ارزش‌های غیرتعاونی و انحراف از اصول، همیاری انجام می‌یابد و تشخیص آن دشوار

آرمانی در خدمت‌رسانی به امور رفاهی انبوه مردم و اعضا مبادله می‌شوند، لذا عین آرمان‌گرایی تعاون ممکن است بازیچه سیاست‌پیشه‌ها قرار گیرد و شرکت‌های تعاونی را دستاویزی برای تقویت همبستگی سیاسی و حزبی، مورد استفاده قرار دهند. به نظر می‌رسد که توجه شایسته به موارد زیر ضروری باشد:

* **اول**، نارسائی‌های نظام اقتصادی را اصلاح کردن با ارائه راه‌حل‌های ساختاری تعاونی.

* **دوم**، حفظ ارزش‌های دموکراتیک و جلوگیری از بی‌ثباتی این ارزش‌ها.

* **سوم**، جلوگیری از نفوذ سازمان‌یافته بازرگانان واسطه، نامزدهای نمایندگی مجالس و مجامع غیرتعاونی به نهضت تعاون به قصد بهره‌گیری از نیروی انسانی.

* **چهارم**، کاستن از اتکال به نیروهای مسلط اقتصادی جامعه تارهایی از وابستگی اضطراری.

* **پنجم**، شناسائی تضاد پنهان بین مدیریت‌های تعاونی و خصوصی و دفاع پی‌گیر از اصل مشارکت مردمی (مبارزه با ضد تعاونی) بنابراین اگر بحران را به مفهوم هرگونه آشفتگی در اوضاع و احوال کشور ناشی از جریان‌ات ناهمگون سیاسی و اجتماعی بدانیم، بحران سیاسی تعریفی جز آن نخواهد داشت.

* آثار بحران‌ها:

«بحران‌ها و تنش‌های سیاسی حل مشکلات اقتصادی را به تأخیر می‌اندازد...»

به استناد این واقعیت محرز، در چنین شرایطی مشارکت‌های مردمی تحت تأثیر وضع بحرانی قرار می‌گیرد و احتمال اینکه با کاهش اعتماد مردم به تعاونی‌ها و حمایت ضعیف اعضا مواجه گردد قابل پیش‌بینی است، مگر اینکه بحران کوتاه مدت بوده و سریعاً فروکش نماید. به هر تقدیر بخش تعاون به هنگام بروز بحران‌ها چه سیاسی باشد و چه اقتصادی، نمی‌تواند ناظر فروریختن ارزش‌های تعاونی بوده و یا از حفظ دستاوردهای خود غفلت بورزد.

دروازه اصلی ورود به مرحله رقابت اقتصادی پالایش فکر و روان از وحشت امواج متلاطم بحرانها و ایستادن برای دفاع در برابر انواع دشواریها، فشارها، تحمیل‌ها و تهدیدها و مقاومت در مقابل رخوتها و رکودهاست

۳ - همگونی دموکراتیک و انسجام در بخش تعاون

ارزش های تعاونی تنها در الگوی پیوند آن با استراتژی های میهن خلاصه نمی شود، زیرا که با این الگو در عصر ارتباطات به خود اتکائی رسیده و در پی نوآوری اداری و افزارهاست ولی روزه روز در وادی «مرامنامه احزاب سیاسی و سلطه دولت ها»، منبع بهره‌وری اجتماعی و اشتغال نیز می شود. این بدان معنی است که تعاون می تواند سهم مستقلی در رشد تولید ناخالص ملی به دست آورده مطالب سهم برابر با بخش غیر تعاونی در تولید و توزیع باشد. برای تحقق این آرمان، هنوز چند مشکل بنیادی فراروی تعاون دیده می شود که بارزترین آن اختلاف بزرگ مادی (سرمایه مادی) بین گروه های تعاونی و بخش خصوصی سرمایه داری است که ناشی از توزیع نابرابر ثروت های ملی و شکاف های درآمدی حاد و مزمن خانوارها می باشد که حقاً موضوعی است حقوقی و مربوط به عدالت اقتصادی. از این روست که بخاطر تعدیل ثروتها در برخی از کشورها، افکار عمومی و مباحثات به دو نوع دموکراسی مستقیم و منتخب گرایش داشته است و نوجوانانش در دوران حاضر، به دموکراسی نیمه مستقیم دل بسته اند. در دموکراسی مستقیم نمایندگان عامه مردم در مجالس، شوراها و دولت ها با رأی اکثریت انتخاب می شوند و نه با رأی چند جناح اصلی ولی در دموکراسی غیرمستقیم یا منتخب چند جناح اقلیت به مصالحه و تفاهم می رسند و قدرت پادگان و تشکیلات دولتی به این جناحها منتقل می شود. و اما در دموکراسی نیمه مستقیم که حالتی از دو نوع یا دو الگوی قبلی است، تصمیم گیری های و یاقتن طرق رفع مشکلات بزرگ، علاوه بر جلب مشارکت مردم، به گروه های غیرسیاسی کاردان و یا متخصص نیز واگذار می شود تا خودکامگی تعصب آمیز رهبران سیاسی و عوام فریب ها قابل کنترل و جلوگیری باشد و بحران های خطرناک مهار گردد. کمیسیون های تخصصی قوه مقننه در کشور ما از این الگو نیز پیروی می نماید.

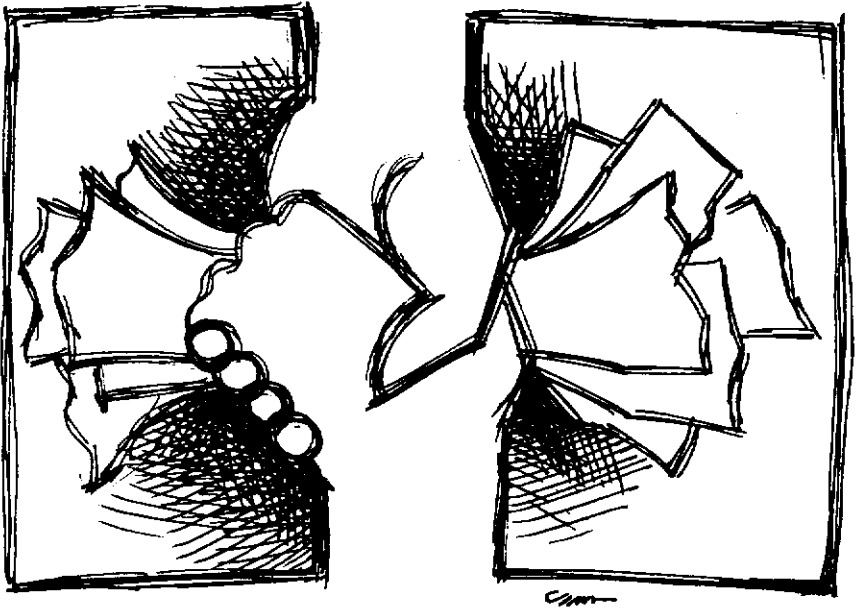
پنبه و صدها محصول استراتژیک و موردنیاز فوری است که وضع مصیبت باری در بازارهای سیاه پیدا کرده اند و بر مشقت زندگی گروه های کم درآمد افزوده اند.

برای محصولات غیراساسی (غیر استراتژیک) نیز بازارهای سیاه بوجود می آید که حاصل آن، ناهنجاری و بحران کمبود کالا است که بر رواج گران فروشی می انجامد و زمینه را برای قاچاق فراهم می کند. بدیهی است سوءاستفاده از مقررات دولتی نیز گاهی پستوانه رونق بازارهای سیاه می گردد و بعضاً ناشی از ابهام مقررات واردات و صادرات و نوسان های نرخ ارزهاست. کمبود مواد اولیه معدنی و صنعتی کشاورزی نیز که با بحران خشکسالی، تقاضای بازارها و بازی های تروریست های اقتصادی همزاد می باشند از علل و عوامل ظهور و شد و تداوم بازارهای سیاه و تداول ثروتها در دست گروه های خاص می گردد و به بحران کمبود بهره‌وری و سود سهام و کاهش ارزش ویژه اقتصاد ملی می انجامد.

بازارهای سیاه همواره بر محور طمع ورزی، احتکار و سودجویی عناصر و دست های پنهان افراد بی ایمان برپا می شود و دوره عمر کثیف خود را تا سقوط ارزش های انسانی و آرمان های تعاونی ادامه می دهد. بازارهای سیاه نوعی از انواع بحرانها به صورت جنگ سرد پنهانی و کم صداست و حتی ممکن است مشروعیت دولتها را زیر سؤال ببرد

تحت تأثیر بگیرد. اینکه یادآوری می شود فرهنگ تعاونی نیاز به نقد دارد بدین معناست که این فرهنگ فعلاً ناتوان از رسیدن به مرحله رقابت اقتصادی است. دروازه اصلی ورود به مرحله رقابت اقتصادی پالایش فکر و روان از وحشت امواج متلاطم بحرانها و ایستادن برای دفاع در برابر انواع دشواریها، فشارها، تحمیلها و تهدیدها و مقاومت در مقابل رخنهها و رکودهاست. این خط مشی چنانچه تعمیم یابد موجبات پیوند عمیق میان اعضاء تعاون و مدیریتها را فراهم خواهد کرد. دیگر اینکه دامنه تحولات بی حد و حصر است و تعاون نمی باید مثل قایقی بی سکان دستخوش امواج بحرانها گردد، چرا که تعاونی همواره پاسدار ارزش های انسانی است.

با اینهمه بروز هر بحرانی فرصت تفکر و اندیشه سازی را می افزاید. گفتن برای تعاونگران اندیشمند معمولاً با تعریف و صورت بندی یک مسأله شروع می شود که عملاً می تواند درباره ناهنجاری های اقتصاد عمومی باشد و وظایف دشوارتری پیش روی مدیریتها قرار دهد. تعاونی و یا غیر تعاونی بودن این ناهنجاری ها یکی است ولی ممکن است بازارهای سیاه بسیاری را برای سوءاستفاده از مردم در شرایط خصوصی سازی و یا آزادسازی مالکیت های بزرگ دولتی بگشاید و یا آنکه این بازارها حداقل بر محور یکی از محصولات تولیدی تعاونی باشد و مشروعیت کارهای تعاونی را زیر سؤال ببرد، از این نظر که بازارهای سیاه همواره بر محور طمع ورزی، احتکار و سودجویی عناصر و دست های پنهان افراد بی ایمان برپا می شود و دوره عمر کثیف خود را تا سقوط ارزش های انسانی و آرمان های تعاونی ادامه می دهد. بازارهای سیاه نوعی از انواع بحرانها به صورت جنگ سرد پنهانی و کم صداست و حتی ممکن است مشروعیت دولتها را زیر سؤال ببرد. گواراترین منبع غذائی گرداندگان بازار سیاه، اقشار کم بضاعت بوده و تاریخ اقتصاد پراز داستان هائی درباره بازارهای گندم، برنج، گوشت، مرغ، شیر، پنیر، پارچه و



Cham

با نگرشی به اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در مورد شرایط و کیفیت انتخابات مجلس شورای اسلامی و رئیس‌جمهور و همچنین شوراهای شهر و استان که تصمیم‌گیری در مسائل مهم اقتصادی و سیاسی و همچنین اجتماعی و فرهنگی کشور را از راه مراجعه مستقیم به آراء مردم اعلام نموده، دموکراسی مستقیم پذیرفته شده و نظیر این دموکراسی و یا حکومت مردمی هم بخش تعاون کشور را در مسیر مشارکت گسترده مردمی قرار داده است بی‌آنکه آموزه‌های متعصبانه سیاسی و اجتماعی، همگونی آن را تهدید نماید و یا برای جلب عضو و سرمایه‌گذار گونه عمل کند، از این جهت پیداست که تعاون، تنها به برآوردن نیازمندی‌های اساسی اعضاء خود نمی‌اندیشد، بلکه در حوزه درمان اختلافها و کشمکش‌های جهانی و سیاسی هم قرار دارد و سرمایه اخلاقی بس بزرگی در حکومت مردمی است. حداقل حرمت و احترام این تشکل‌های مردمی، در زدودن آثار طبیعی سیاسی و اقتصادی بحران‌هاست. درون‌مایه شرکت‌های تعاونی که موجبات انسجام آن‌را فراهم می‌آورد. بدست آوردن شناخت درستی از فرهنگ تعاون این فضیلت، آگاهی و هوشمندی، عدالت و مشارکت مؤثر در اداره امور زندگی است و بهره‌مندی آن از مزایای دموکراسی اقتصادی از هدایای ارزشمند قانون اساسی است.

۴ - تعاون در راستای سیاست حمایتی دولتها از واحدهای کوچک تولیدی و خدماتی

یکی از ضروری‌ترین سیاست‌های حمایتی دولت با رعایت صلاحیت بخش تعاون در کمک به پیشرفت این سیاست ایجاد محدودیت برای گسترش خدمات غیرمولد می‌باشد.

خدمات غیرمولد به تعریفی عبارت از انواع معاملات ربائی و رانت‌خواری است که از درآمد فروش املاک، بهره‌زمین، اجرت‌المکان کالاهای سرمایه‌ای و از قراردادهای مالکی و

مستأجر و انواع اجاره‌بها عایدی بدست می‌آید. فشاری که روزانه و سالانه به واحدهای کوچک صنعتی و خدماتی و افراد شاغل در این کارگاهها وارد می‌آید، نه تنها به رشد طبیعی آنها آسیب می‌زند، بلکه تداوم اختلال در بخش‌های اقتصادی را فراهم ساخته و جدا از آن موجبات انباشتگی شکایات در دادگستری‌ها و مراجع انتظامی را که عمدتاً برای طرفین دعوی و دادگستری هزینه‌ساز است به بار می‌آورد. از این‌رو اختلالی در واحدهای کوچک، خود نوعی از فضا‌های بحران‌ساز و خطرناک شمرده

برای محصولات غیر اساسی

(غیر استراتژیک) نیز

بازارهای سیاه بوجود می‌آید

که حاصل آن، ناهنجاری و

بحران کمبود کالا است که بر

رواج گران‌فروشی می‌انجامد

و زمینه را برای قاچاق فراهم

می‌کند. بدیهی است

سوءاستفاده از مقررات

دولتی نیز گاهی پشتوانه رونق

بازارهای سیاه می‌گردد

می‌شود و عمدتاً واحدهای زیرپوشش بخش تعاون را دربرمی‌گیرد. بخش تعاون نیز با توجه به تورم مزمن قیمت‌ها که در برنامه دوم، بیش از ۲۰ درصد در سال بوده، نمی‌توانسته حمایت قاصع به عمل آورد، لذا به تثبیت روند صعودی اختلال در قلمرو کار واحدها توفیقی نیافته است. از آن گذشته شرایط تثبیت مستلزم رفع دشواری‌ها و رفع و ابهامات حقوقی و قانونی است که فراتر از توان مشورتی اتحادیه‌ها و طرح ریزی‌های تعاونی بوده است و بقول شاعر آذری: با چشم تر زیارت یارانم آرزوست. هم‌ره شده به سبیل خروشانم آرزوست. آخرین سخن شه‌یار که چاره‌جویی می‌کند چنین است: پرواز باد سرکش و غرآنم آرزوست. باد سرکش را به تورم مزمن و رکودی باید تشبیه نمود که خیرات تورم نصیب گروه رانت‌خواران می‌گردد و زندگی قشرهای مستضعف را تباه می‌سازد و ریشه‌کنی آن از دست تعاونگران برنمی‌آید مگر فضا‌های تیره و کدر، رخت بریندند و تورم نزولی و یک‌رقمی باشد. رانت‌خواری، مرض شایع ثروت‌های بادآورده است که عظیم‌ترین سد توسعه، همیاری‌های تعاونی در ایران بشمار می‌آید و هرگونه طرح و اندیشه برای برداشتن این تنگنا، کمک به سیاست‌های حمایتی دولت خواهد بود.

ادامه دارد